

فلسفه تاریخ و دکترین

ظهور از منظر

شهید صدر

* علی (رض) نودهی



چکیده

درباره ظهور، سه نظریه طرح شده است:

۱. انفجاری بودن ظهور؛

۲. تکامل تدریجی و طبیعی ظهور؛

۳. اختیاری بودن ظهور.

شهید صدر نظریه اخیر را طرح کرده و به آن پرداخته است.

فلسفه تاریخ به قانون مندی تاریخ می‌پردازد و قوانین حاکم بر تاریخ را کشف می‌کند. شهید صدر معتقد است قوانین حاکم بر تاریخ، به اراده و اختیار انسان مشروط است. انسان از رهگذر این قوانین، قطار تاریخ را می‌راند و از آنجا که ظهور پدیده‌ای تاریخی است، این پدیده به اختیار، انتخاب و اراده انسان مشروط می‌شود. بنابر این، باید برای ظهور و تعجیل در آن با استفاده از قوانین تاریخی، برنامه عملی و کاربردی درآفکند.

وازگان کلیدی

شهید صدر، ظهور، دکترین ظهور، فلسفه تاریخ، تکامل، اختیار، جبر تاریخ، مهدویت و انتظار.



مقدمه

پیش از ورود به اصل بحث، باید به ماهیت ظهور بپردازیم. در نگاه نخست، نظریات ظهور را بر سه قسم می‌یابیم:

الف) نظریه انفجاری بودن ظهور^۱

در این نظریه، قیام و انقلاب مهدی موعود^۲ تنها ماهیت انفجاری دارد؛ هنگامی که صلاح به نقطه صفر رسید، این انفجار رخ خواهد داد و دست غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون خواهد آمد.

طبق این نظریه هر اصلاحی محکوم است و هر گناه، فساد، ظلم و تبعیضی، انفجار را قرب الوقوع می‌کند؛ پس در تعجیل ظهور باید ظلم و فساد را گستراند. تحقق ظهور از طریق اسباب غیبی، اساس و ستون این نظریه است.

ب) نظریه تکامل طبیعی و تدریجی بودن ظهور

در این نظریه، عوامل طبیعی و پدیده‌های جبری تاریخ، عامل اصلی و تعیین‌کننده برای تحقق ظهور هستند، یعنی ظهوری نخواهد بود مگر با تکامل عقل بشری و آمادگی استعدادهای جوامع مختلف برای پذیرفتن حکومت عدل الهی.^۳ برای تحقق چنین زمینه‌ای، نقش اختیار و اراده انسان در مقابل عوامل طبیعی و حوادث جبری تاریخ، بسیار ناچیز است.

ج) نظریه اختیاری بودن ظهور^۴

در این نظریه، اختیار و اراده انسان، تعیین‌کننده و تعجیل یا تأخیر کننده زمان ظهور است. باید ایده حکومت موعود را به خوبی ترسیم نمود و بهسوی آن با برنامه‌ای منسجم و دقیق گام برداشت. ظهور هدف بزرگی است که با برنامه‌ریزی بلندمدت و کار و تلاش بی‌وقفه امکان می‌پذیرد. تعیین اهداف و راهبردهای رسیدن به آنها و اجرای دقیق آن اهداف، شرط ضروری برای ظهور است. درواقع، اراده انسان در طبیعت و قوانین آن دست به گزینش می‌زند و انسان خود تاریخ را جهت می‌دهد. بنابر این، زمینه‌های ظهور با اراده انسان‌ها در تمام سطوح فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و... فراهم می‌آید و هنگامی که زمینه‌های ظهور تحقق یافت، لطف خداوند متعال نیز جاری می‌گردد و بشر در آستانه انقلابی بزرگ قرار می‌گیرد.

دیگران نیز این نظریه را مطرح ساخته‌اند، اما شهید صدر بیشتر به آن پرداخته، بهخصوص که اساس این نظریه بر ظهور انقلابی مانند دیگر انقلاب‌های است که باید از طریق اسباب طبیعی انجام گیرد. شهید صدر این مطلب را به درستی تبیین کرده است. برای ورود به این بحث، تشریح دو موضوع ضروری است: مبادی فلسفه تاریخ و تعریف

فلسفه تاریخ.

مسلمانان بعد از هجرت به مدینه، گردهم آمدند و با تشکیل حکومتی کوچک، زمینه حکومتی جهانی را مهیا کردند؛ در جریان سقیفه، حکومت اسلامی را منحرف کردند؛ امام حسین علیهم السلام و اصحاب ایشان در روز عاشورا از بیعت با بیزید امتناع ورزیدند و شهید شدند؛ امام خمینی؛ بعد از تبعید، با اطلاعیه و... ملت را بیدار کردند و با آن مردم، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند.

این وقایع، از حقایق تاریخ بهشمار می‌آیند، اما به طور قطع زمانی می‌توانند در زندگی تأثیر بگذارند که نقد، بررسی و تحلیل گردند؛ چرا مسلمانان پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه پیروز شدند و یا چگونه جریان سقیفه به دلیل قدرت و تباہی خواهی بعضی از مسلمانان، حکومت اسلامی را از مسیر اصلی و درست آن به انحراف کشاند و...؟

ترددیدی نیست که با مطالعه دقیق و درست این وقایع از زاویه فلسفه تاریخ، قوانین ثابتی را از آنها می‌توان کشف نمود و آینده زندگی را ساخت؛ قوانینی چون: «اتحاد، رمز پیروزی است»؛ «حکومت‌های کوچک، زمینه‌ساز حکومت‌های جهانی هستند»؛ «عامل انحراف حکومت‌های اسلامی، عناصر قدرت طلب و تباہی خواه هستند» و... .

علاوه بر بررسی قانون‌مندی تاریخ، از هدف‌مندی آن نیز در فلسفه تاریخ بحث می‌شود؛ آیا حوادث گذشته تکرار پذیرند؟ آیا تاریخ حیات بشری به سمت وسوی خاص، حركت می‌کند؟ آیا قطار تاریخ رو به ظالم و فساد مطلق می‌تازد یا عدالت و تکامل؟ آیا هدایت‌کننده این قطار، قوانین جبری طبیعت و یا خداست، یا آن که انسان در آن تأثیر می‌گذارد؟ فلسفه تاریخ به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.

آینده‌نگری در تاریخ

در پی بحث هدف‌مندی و قانون‌مندی تاریخ، از آینده‌نگری تاریخ، سخن به میان می‌آید. اگر ما قوانین تاریخی را جبری و ضروری بدانیم و چنین قوانینی تنها قوانین حاکم بر تاریخ باشند، به آسانی می‌توان آینده را پیش‌بینی کرد. اگر علاوه بر قوانین ضروری و جبری، قوانین دیگری مشروط به اراده و انتخاب بشر و آدمیان وجود داشته باشند و به عبارتی، انسان‌ها بتوانند در

میان قوانین دست به گزینش بزنند، در این صورت پیش‌بینی آینده تاریخ بسیار دشوار خواهد شد. به همیزان که اراده و اختیار انسان را در حرکت تاریخ دخیل بدانیم، به همان میزان امکان پیش‌بینی آینده تاریخ دشوارتر خواهد بود.

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

اگر از روزگار یک روز بیشتر باقی نماند باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرأة مأمور می‌کند تا جهان را پر از عدالت کند، چنان‌که پر از بی‌عدالتی شده باشد.^۱

این خبر، پیش‌بینی و آینده‌نگری تاریخی است. اگر ما قوانین حاکم بر تاریخ و حرکت آن را جبری و ضروری بدانیم، چنین آینده‌نگری می‌تواند منشأ علمی و بشری داشته باشد و از نوع خبردهنده حکایت کند، ولی اگر قوانین تاریخی مشروط باشد، در این صورت چنین خبری حتماً منشأ وحیانی و غیبی دارد؛ چراکه علم بشر را به آن راهی نیست.

جبر و اختیار در تاریخ

اعتقاد به جبر تاریخ همواره توسط قدرت‌طلبان و ظالمان ترویج شده است؛ چراکه چنین اعتقادی، انسان را از هرگونه مسئولیت‌پذیری باز می‌دارد. برای نمونه، اگر کشور استعمارگری بر گرده تمدنی سوار شد و آن را از بین برد، می‌تواند بگوید که ما مسئول نیستیم؛ چون تمام این اتفاقات در تاریخ، جبری انجام شده و گریزی از آن نبوده است. بنابر این، جبر و مسئولیت رابطه عکس و تضاد دارند. هرچند ما در تاریخ بیشتر به جبر قائل شویم، مسئولیت انسان را در مقابل حوادث تاریخی کمتر کرده‌ایم و هرچه بیشتر به اختیار معتقد شویم، بار مسئولیت انسان را سنگین‌تر کرده‌ایم. اگر ما به جبر مطلق در تاریخ قائل شویم، انسان نه تنها برای ظهور امام عصر^۲ نمی‌تواند کاری انجام دهد، بلکه حتی دعا کردن نیز برای تعجیل آن، بی‌معنا خواهد بود؛ چراکه بنابر این اعتقاد، زمان و پدیده ظهور، از قبل معین شده و جبراً و ضرورتاً ظهور در آن زمان، از طریق اسباب ضروری رخ خواهد داد.

در مقابل معتقدان جبر در تاریخ، عده‌ای نیز به اختیار در تاریخ قائل شده‌اند. کسانی مانند پویر و آیزا برلین گفته‌اند تاریخ، حوزه عمل انسان بوده و انسان موجودی آزاد و مختار است و این

موجود مختار آزاد، می‌تواند مانع از هر تحولی بشود. بنابر این، چون پای انسان و اراده و مسئولیت اخلاقی و اختیار انسان در کار است، در تاریخ هیچ‌گونه جبری هم حکم‌فرما نیست.^۶

فلسفه تاریخ از منظر شهید صدر؛ کشف فلسفه

تاریخ

تاریخ‌نگری به معنای تأمل در حکمت و غایت وقایعی که بر سر ملت‌ها رفته است، از پایان قرن هجدهم میلادی در آثار متفکران آلمانی باب شد. تا پیش از آن، تاریخ نزد اروپاییان چیزی نبود جز داستان جنگ‌ها و نقل سرگذشت سرداران؛ چنان‌که نزد مسلمانان نیز تا زمان ابن خلدون (قرن چهاردهم میلادی) تاریخ معنایی جز این نداشت. می‌گمان این عقیده که وقایع تاریخی در سیر خود نظمی دارد و فرمان‌گزار مشیت یا اراده خدایی است، در اندیشه اروپایی بسیار نبوده است. پیشوایان دین مسیح و از آن بیشتر، دین یهود همین عقیده را به پیروان خود می‌آموختند. اما شهید صدر می‌گوید:

کشف این مفهوم قرآنی (سنن تاریخ) فتح بزرگی است؛ زیرا ما در حد شناخت خود، قرآن را اول کتابی می‌دانیم که این معنا را کشف کرده است و حتی روی آن پافشاری می‌کند و با تمام وسائل قانع کننده که در اختیار دارد، روی این سنت‌ها اصرار می‌ورزد و با این اندیشه که حوادث خود به خود صورت می‌گیرد، به شدت مقابله می‌کند و نیز این نظر که حوادث در دست تقدیرات غیبی است و ما را در برابر آنها جز تسلیم و رضا راهی نیست، به مخالفت صریح برخاسته است.^۷

وی در ادامه می‌گوید:

این کشف بزرگ قرآنی، زمینه‌ای برای آکاهی و هوشیاری اندیشه بشر، نسبت به فهم و درک نقش علمی تاریخ در زندگی انسان فراهم ساخت تا جایی که هشت قرن بعد از نزول قرآن، کوشش‌هایی برای این منظور به دست خود مسلمان‌ها آغاز گردید. ابن خلدون به برسی تاریخ و کشف سنت‌ها و قوانین آن پرداخت. بعد از او، حداقل چهار قرن گذشت تا اندیشه اروپایی در اوایل دوره رنسانس، به شکل‌دهی اندیشه‌ای که مسلمانان از آن صرف‌نظر کرده بودند، روی آورد و اندیشه‌ای را که مسلمانان نتوانسته بودند به ژرفای آن فروروند، فکر غربی این معنا را در همان آغاز رنسانس گرفت و بحث‌های متعدد و مختلفی پی‌رامون فهم تاریخ و سنت‌های آن آغاز کرده است.^۸

شهید صدر^۹ معتقد است: قرآن بالحن‌های متفاوت و زبان‌های مختلف به فلسفه تاریخ پرداخته است؛ گاهی سنت تاریخی را نقل کرده و گاهی به کشف آنها تشویق نموده و نظریه‌ها را بیان نموده است.

وی در ضرورت کشف سنت تاریخی و فراگیری فلسفه تاریخ می‌گوید:

ظهور هدف بزرگی است که با برنامه‌ریزی بلندمدت و کار و تلاش بی‌وقه امکان می‌پذیرد. تعیین اهداف و راهبردهای رسیدن به آنها و اجرای دقیق آن اهداف، شرط ضروری برای ظهور است. درواقع، اراده انسان در طبیعت و قوانین آن دست به گزینش می‌زند و انسان خود تاریخ را جهت می‌دهد. بنابر این، زمینه‌های ظهور با اراده انسان‌ها در تمام سطوح فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و... فراهم می‌آید و هنگامی که زمینه‌های ظهور حقیق یافته، لطف خداوند متعال نیز جاری می‌گردد و بشر در آستانه انقلابی بزرگ قرار می‌گیرد.

بوده و اکنون تمدن غرب محصول نهایی و تکامل یافته تاریخ است. ایشان توصیه می کند که جوامع اسلامی باید تمدن غرب را بشناسند و آن را مورد اقتیاب یا نقد قرار دهند؛ زیرا این تمدن محصول نهایی تمدن های تاریخ بشر است... .

صدر، فرآورده های غرب را به دو بخش مادی و تجربی و اجتماعی و سیاسی تقسیم می کند و استفاده از بخش اول را ساده تر و کم خطرتر بر می شمرد، ولی درباره بخش دوم معتقد است که باید فرهنگ و مفاهیم اسلامی را مأخذ خود گزید و با احتیاط تمام از هر چیز سازگار با دین مبین بهره گرفت، هر چند در این میان، باید از خطیر تحریف و تأویل نادرست از دین بر حذر بود.^{۱۲} در خلال دو قرن اخیر بسیاری از اندیشه و رزان اسلامی با فهم نادرست از نظام های اجتماعی و سیاسی غرب ناخودآگاه به دام تحریف و بدعت افتاده اند و بسیاری با متوقف شدن بر قالب های متغیر دینی و مطلق ساختن آنها، خود را از پیشرفت های دنیای جدید محروم ساخته اند.^{۱۳}

به هر حال، روشی است که تمدن غرب خوبی هایی دارد، ولی باید خلی بالاحتیاط با آن برخورد کنیم؛ چرا که بیشتر نظریات اندیشه و رزانی همچون فوکویاما در مورد پایان تاریخ که با پیروزی غرب بر تمدن های دیگر و گسترش نفوذ آن در سرتاسر جهان محقق می شود و هانتینگتون در مورد برخورد تمدن ها که در نهایت به پیروزی تمدن غرب می انجامد، ماهیت و محتوای استعماری این تمدن را بیان می کند.^{۱۴}

بحث تکامل تاریخ با نظریه اختیاری بودن ظهور ارتباط نزدیکی دارد. بنابر این نظریه، ظهور به کمال رسیدن عقل و شکوفایی و رشد نهایی علم است که زمینه شتاب دهی به حرکت را فراهم می سازد.

اکنون پست مدرنیسم از دولت های طاغوتی خسته شده و به کوچک کردن دولت ها، در حد و اندازه شهرداری ها می اندیشد. این تکامل، محصول تجربه بشری است و این یا اس را می توان زمینه انقلاب جهانی مهدی موعود^{۱۵} دانست.

موج اسلام خواهی در سرتاسر جهان از نشانه های تکامل تاریخ بشر است. در این فرصت، ملت ها با یک دیگر متحد می شوند و بر ضد حاکمیت ظلم و فساد جهانی قیام می کنند.

انسان های معمولی حوادث تاریخی را تسویه ای از اتفاقات نامربوط می دانند که بر حسب تصادف یا بر اساس قضا و قدر، یا بر مبنای قدرت خدا و لزوم تسلیم در برابر امر او شکل گرفته، در حالی که قرآن با این فکر بهشت مقاومت کرده است و هیچ حادثه ای را بجهت و یا از روی اعمال قدرت و لزوم تسلیم در برابر آن توجیه نمی کند؛ بلکه به بشر هشدار می دهد که در این زمینه سنت و قوانین حاکم است و برای این که انسان بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود، لازم است این سنت ها و قوانین را بشناسد و برای این که بتواند در این قوانین نفوذ کند، باید نسبت به آنها شناختی داشته باشد، در غیر این صورت هر چند شما چشم بسته باشید، آن قوانین در شما حکومت خواهد کرد. شما چشمانتان را باز کنید این قوانین و این سنت ها را ببینید تا شما بر اینها حاکم گردید، نه این که آنها در شما اثر بگذارند.^{۱۶}

تکامل تاریخ

آیا قطار تاریخ رو به تکامل، توسعه و عدالت پیش می رود و یا رو به ظلمات و تاریکی و فساد؟ علامه جعفری: سیر تاریخ را حرکتی تکاملی نمی دارد و می نویسد:

حرکت بشر در مسیر تکاملی در تاریخ، یک مسئله مبهم و غیرقابل توضیح و اثبات است؛ زیرا آن چه که همگان مشاهده می کنیم، گسترش تفکرات و تصرفات انسان ها در طبیعت و نفوذ به بعضی از سطوح بالاعتیاد آن است که تاکنون از دیدگاه علمی مخصوصاً در دو قرن اخیر به دست بسیار چشم گیر بوده است. اما آیا این گسترش و نفوذ را که همه ارزش ها و عظمت های انسانی را زیر پا گذاشته است، می توان تکامل نامید؟^{۱۷}

از دیدگاه شهید صدر حرکت تاریخ تکاملی

هدف و حرکت تاریخ

در طبیعت دو نوع حرکت وجود دارد: حرکات جبری و ضروری که متأثر از علت قبل از خود است و انسان نقشی در آن ندارد و حرکاتی که متأثر از اراده انسان و هدفمند است، انسان با توجه به آرمان و اهدافی که دارد، حرکاتی در عالم طبیعت خلق می‌کند تا به آن آرمان‌ها جامه عمل بپوشاند. شهید صدر به این موضوع بهطور بنیادی پرداخته است:

انسان، با محتوای درونی انسان، بنیاد حرکت تاریخ را می‌سازد. حرکت تاریخ از دیگر حرکات، امتیازش به هدف داشتن است، یعنی حرکت تاریخ یک حرکت هدف‌دار است، تنها تحت تأثیر قانون علیت نیست که تنها وابسته به علتش و به گذشته‌اش باشد، بلکه به هدفش نیز مربوط می‌باشد. چون حرکت هدف‌دار است، علت غایبی دارد، آینده‌نگر است. آینده، حرکت فعال تاریخی اش را می‌سازد. آینده‌ای که اکنون وجود ندارد و تنها از وجود ذهنی اش به آن نگاه می‌شود و حرکت می‌افزیند. بنابر این، وجود ذهنی از یکسو، نشان‌دهنده جنبه فکری است، یعنی تاچیه‌ای که تصور هدف را در بردارد، و نیز از سوی دیگر، نشان‌دهنده نیرو و اراده‌ای است که انسان را به سوی هدف برمی‌انگیزد و با بهم آمیختن فکر [هدف] و اراده قدرت سازندگی آینده و نیروی حرکت آفرینی فعالیت تاریخی بر صحنه اجتماعی تحقق یابد.^{۱۰}

هر حرکت تاریخی، ایده‌آل بزرگ‌تری دارد. ایده‌آل بزرگ، هدف‌ها و مقاصدش را تعیین می‌کند و این هدف‌ها و مقاصد، تلاش‌ها و حرکت‌ها را در مسیر ایده (آرمان) بزرگ‌تر قرار می‌دهند.^{۱۱}

حال، هرچه این هدف انسان دقیق‌تر و نامحدود‌تر و واقعی‌تر باشد، انگیزه رسیدن به آن قوی‌تر خواهد بود و هرچه انگیزه قوی‌تر باشد، حرکات مؤثرتری ایجاد خواهد شد. شکی نیست که حرکات وقتی به نتیجه می‌رسند که اهداف و آرمان‌ها واقعی باشند. پس اولین گام در حرکت تاریخ، تشخیص ایده‌آل و آرمان حقیقی و واقعی است.

شهید صدر ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها را به سه نوع تقسیم می‌کند:^{۱۲}

الف) ایده‌آل پست (زنگی مادی)

ایده‌آلی است که از وضع موجود سرچشمه گرفته و از اوضاعی که در جامعه می‌گذرد، نشئت گرفته است. این گونه ایده‌آل‌ها، همیشه تکراری و ملامت‌بارند. حرکت تاریخ در زیر سایه این نمونه ایده‌آل‌ها، همیشه حرکتی تکراری است. به این معنا که وضع موجود را می‌گیرد تا برایش آینده مطلق بسازد.

قرآن این گونه ایده‌آل‌ها را ناشی از یکی از دو علت می‌داند: علت اول، عامل روانی است؛ انس و عادت و بیهودگی و بُلهوسی:

﴿قَالُوا حَسِبْنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءنَا أَوْ كَانَ آباؤهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا

اگر ما به جبر مطلق
در تاریخ قائل شویم،
انسان نه تنها برای
ظهور امام عصر^{علیهم السلام}
نمی‌تواند کاری انجام
دهد، بلکه حتی دعا
کردن نیز برای تعجبیل
آن، می‌معنی خواهد بود؛
چراکه بنابر این اعتقاد،
زمان و پدیده ظهور، از
قبل معین شده و جبرا
و ضرورتا ظهور در آن
زمان، از طریق اسباب
ضروری رخ خواهد داد.

یهندون^{۱۸}

می گویند: «آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است.» آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند؟

و علت دوم عامل خارجی دارد؛ تسلط فرعون‌ها و طاغوت‌ها در طول تاریخ بشر بر جامعه:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمُلَائِكَةُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي﴾^{۱۹}

و فرعون گفت: ای بزرگان قوم، من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم.

جوامع و ملت‌هایی که ایده‌آل مادی و پست را می‌پرستند، در حالتی تکراری زندگی می‌کنند، یعنی حرکت تاریخ برای آنها حرکتی همانند و تکراری می‌شود که به تدریج، جامعه و بشر علاقه‌اش را به این ایده‌آل‌ها از دست می‌دهد. در چنین حالتی، تاریخ با این امت‌ها سه نوع برنامه اجرایی صورت می‌دهد:

۱. نابود شدن در برایر حمله‌ای نظامی از خارج؛
۲. ذوب شدن و تحیل رفتن آنها در ایده‌آلی بیگانه و وارداتی؛
۳. بازگشت به ایده‌آل اصیل.

ب) ایده‌آل‌های محدود و مقید

آرمان‌های برآمده از آرزوهای جامعه که به آینده، گرایش به نوسازی و تجدد و تطور نظر دارند، آینده را به خوبی برنمی‌تابند؛ زیرا خواست‌ها و تمناهای آنها محدود است. این عاقبت‌بینان، خطر بزرگی در پیش دارند؛ می‌خواهند در باریکه‌ای آرمان بپردازند و مطلق‌سازی کنند. ناگزیر آرمان ساخته آنان، زاده تصور ذهنی است که چندگاهی در آینده‌سازی مدد می‌دهد و کم‌وپیش نشاطی بر می‌انگذارد، اما محدودیت آن به‌زودی آشکار می‌گردد و سنگ راه می‌شود؛ زیرا جلوه محدود برای او به کمال مطلوب و آینین تبدیل می‌گردد و خطأ از جایی بر می‌خیزد که از محدود برای خود مطلق ساخته‌اند.

برای مثال، انسان اروپایی در آغاز عصر جدید غایت مطلوبی از آزادی ساخت، چراکه در آن‌هنجام زیر انواع قیود خم شده بود.

اراده و حرکت تاریخ

(الف) اراده و انسان

هر انسان در عالم طبیعت به اندازه قوه روحی‌اش می‌تواند تأثیر بگذارد. هرچه انسان خود را تکامل بخشد، در عالم طبیعت بیشتر می‌تواند اثر بگذارد. شهید صدر می‌گوید:

اسلام و قرآن معتقد است، عمل تغییر در ظاهر و باطن باید دوش به‌دوش هم پیش رود تا انسان بتواند باطن خود را یعنی روان، اندیشه و اراده و امیال خود را بسازد. این زیربنای داخلی باید هم‌آهنگ با ساختمن روی‌بنا خارجی‌اش باشد. از آن‌جا که هیچ‌گاه نمی‌توان

آری باید قیود را از پیش پای اندیشه برداشت، ولی آزادی تنها چارچوبی است و محتوا و مضمون می‌خواهد. آزادی چارچوبه‌ای برای ارزش‌های دیگر است، ولی خود به تنها‌ی انسان‌ساز نیست. از این‌روی، انسان اروپایی راه انحرافی رفته و از آزادی کمال مطلق ساخته است، حال آن که آزادی ظرف بمشمار می‌رود، نه مظروف؛ چارچوبی است و به محتوا نیاز دارد و چنان‌که می‌بینیم از این بین‌باری، مایه خواری غرب شده است.^{۲۰}

ج) ایده‌آل «الله» و آرمان‌های بلند الهی

«این کمال مطلوب، محصول آدمی و ذهن او نیست، آرمانی است که در خارج و نفس‌الامر وجود دارد.»^{۲۱} «خداآوند یک موجود مطلق در عالم خارج است، او دارای قدرت مطلقه و دانش بی‌پایان و عدل مطلق می‌باشد.»^{۲۲}

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَذَّحًا فَمُلَاقِيهِ﴾^{۲۳}

ای انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسخنی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.

دولت عدل جهانی برآمده از اعتقاد به خداوند و از متن وحی الهی، هدفی متوسط و پله‌ای برای لقاء‌الله به‌شمار می‌رود. این آرمان، محرکی قوی برای حرکت تاریخ می‌تواند باشد. ما برای زمینه‌سازی ظهور باید این آرمان را هرچه بیشتر بارور کنیم تا با این کار، در شیعیان انگیزه‌های قوی ایجاد شود و در نهایت، شیعیان تاریخ، به‌سوی حکومت عدل جهانی بروند.

یهندون^{۲۴}

می گویند: «آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است.» آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند؟

و علت دوم عامل خارجی دارد؛ تسلط فرعون‌ها و طاغوت‌ها در طول تاریخ بشر بر جامعه:

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمُلَائِكَةُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي﴾^{۱۹}

و فرعون گفت: ای بزرگان قوم، من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم.

جوامع و ملت‌هایی که ایده‌آل مادی و پست را می‌پرستند، در حالتی تکراری زندگی می‌کنند، یعنی حرکت تاریخ برای آنها حرکتی همانند و تکراری می‌شود که به تدریج، جامعه و بشر علاقه‌اش را به این ایده‌آل‌ها از دست می‌دهد. در چنین حالتی، تاریخ با این امت‌ها سه نوع برنامه اجرایی صورت می‌دهد:

۱. نابود شدن در برایر حمله‌ای نظامی از خارج؛
۲. ذوب شدن و تحیل رفتن آنها در ایده‌آلی بیگانه و وارداتی؛
۳. بازگشت به ایده‌آل اصیل.

روینایی را بدون زیربنای خارجی در نظر گرفت و روینای تنها لرzan و متلاشی است، بدین جهت، اسلام ساختمان محتوای باطنی را در سیر صحیحش «جهاد اکبر» نامیده است و روینای آن را که در مسیر صحیحش به حرکت درآید، «جهاد اصغر» می‌نامد و می‌گویند: هرگاه «جهاد اصغر» از «جهاد اکبر» جدا شد، اصالت و محتوای اصلی را از دست می‌دهد و به همین دلیل، قدرت نخواهد داشت تا تغییر حقیقی در صحنه‌های تاریخی و اجتماعی به وجود آورد. بنابر این، باید این دو عمل، دو شادوش هم حرکت کند. هرگاه یکی از دیگری جدا شد، حقیقت و مضمون خود را از دست داده است... پس هرگاه جهاد اصغر از جهاد اکبر جدا بماند، هیچ‌گونه تغییر باطنی مفیدی صورت نمی‌گیرد.^{۱۶}

ب) اراده و حکومت اسلامی

امام کاظم علیه السلام خطاب به هارون فرمودند:

أنا إمام القلوب وأنت إمام الجسمون:^{۱۷}

من بر دل‌ها و قلوب مردم حکم می‌رانم و تو بر تن‌ها و بدن‌ها.

حکومت اسلامی بر دل‌های مؤمنان بنا می‌شود؛ دل‌هایی که عرش رحمان است و خداوند متعال بر آن فرمان می‌راند. قوام حکومت اسلامی بر همت و اراده انسان‌هاست، نه بر رعب و وحشت.

امام علی علیه السلام بعد از ماجراهی سقیفه فرمودند:

اگر روز بیعت (سقیفه) چهل جنگ‌جوی مطیع داشتم، حتماً سا آنها نبرد می‌کردم.^{۱۸}

و امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر کسانی که توصیف شده‌اند به ۳۱۳ نفر برسند، آن‌چه می‌خواهد (حکومت عدل الهی) تحقق می‌باید.^{۱۹}

به همین سبب، تکیه حکومت اسلامی بر اراده و همت‌هاست. روایات، اوصاف زمینه‌سازان ظهور و یاوران مهدی علیهم السلام را این‌گونه آورده‌اند: آنها کوشیده‌اند پاک و ثابت و مذهب گردند، مانند شمشیری که آهن گر آن را صیقل داده باشد.^{۲۰}

ج) اراده و تاریخ

انسان علاوه بر فکر، از حیث اراده نیز در حرکت تاریخ نقش مهمی دارد؛ به طوری که حتی یک فرد الهی می‌تواند سرنوشت بشر را تغییر دهد.

شهید صدر؛ درباره کسانی که نقش افراد را در حرکت تاریخ بعید و ناجیز می‌دانند،

می فرماید:

معلوم است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعِيرُ مَا يَقُولُ حَتَّى يُعَيِّرُوا مَا يَأْنَفُسِهِمْ»^{۲۱} در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

آیه می گوید تغییر اوضاع و شرطون اجتماعی هر قومی روینای آن قوم است. تغییر بنیادی، تغییری است که در خود قوم پدید آمده باشد و هر تغییر دیگر از این تغییر بنیادی، سرچشمۀ گرفته است، مانند تغییر حالت نوعی، یا تغییر حالت تاریخی و یا تغییر حالت اجتماعی قوم.^{۲۲}

قوانين و سنن تاریخ

اگر حرکت تاریخ اختیاری است، ابزار حرکت آن چیست؟ فیلسوفان تاریخ هر کدام طریقی برگزیده‌اند و به نتایجی رسیده‌اند. شهید صدر؛ نیز در این خصوص دیدگاهی را بیان کرده است. وی می گوید:

در کلیه امور جهان، سنت‌ها و قوانین الهی جاری است که دارای سه ویژگی عمومی هستند:

۱. الهی هستند و حاکمیت خداوند را تحقق می‌بخشند؛

۲. عمومیت دارند و اتفاقی نیستند: «سنت ما را ذکر گونی نیست»^{۲۳}

۳. در سنت‌های الهی مسئله اراده و تفکر آزادی انسان مطرح است، یعنی انسان‌ها به دست خود سرنوشت خویش را می‌سازند و سنتی را که باید در مورشان اجرا شود، به دست خویش برمی‌گزینند.^{۲۴}

اما این قوانین و سنن تاریخی بر سه نوعند:^{۲۵}

الف) قوانین شرطی؛ یعنی بین دو پدیده یا دو مجموعه از پدیده‌ها، در میدان تاریخ ارتباط برقرار می‌شود. هر وقت شرط محقق شود، تحقق جزا حتمی است. این صورت را ما در بسیاری از قوانین و سنت‌های طبیعی، در سطوح مختلف ملاحظه می‌کنیم. برای مثال، اگر آب بر اثر مجاورت با حرارت به درجه معینی از حرارت مثلاً به صد درجه برسد، جوش می‌آید.

منشأ و خاستگاه این پرسش (عدم نقش افراد در تاریخ) مربوط به دیدگاه خاصی است که تاریخ را این چنین تفسیر می‌کند که انسان در حرکت تاریخ عامل ثانوی و فرعی است و عامل اصلی، نیروهای مادی و خارجی هستند که انسان را احاطه کرده‌اند. در نتیجه یک فرد در بهترین حالات مفسر جهت‌گیری آن عامل اصلی است و چیزی جز این نیست، در حالی که اساس تاریخ بر دو محور قرار دارد: یکی انسان و دیگری عوامل مادی که انسان را احاطه کرده است. همان‌طور که عوامل مادی و ابزار تولید و طبیعت در انسان اثر می‌گذارد، انسان نیز در اطراف خود و در دیگر عوامل خارجی اثر می‌گذارد.

...پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ به خاطر تحقیق رسالت آسمانی خود زمام حرکت تاریخ را در دست گرفت و یک خط طولانی فرهنگی و تربیتی ایجاد کرد که هرگز عوامل مادی و خارجی نمی‌توانستند از عهده آن برآینند... و هرچه بوسیله پیامبر اکرم ﷺ امکان وقوع داشته باشد، بوسیله امام متظر ﷺ نیز ممکن است.^{۲۶}

شهید صدر؛ نه تنها حرکت تاریخ را وابسته به حرکت انسان می‌داند، بلکه حرکت تاریخ را روینای حرکت انسان تلقی می‌کند. وی می‌نویسد:

سازنده حرکت تاریخ، محتوای باطنی انسان یعنی فکر و اراده اوست و ساختمان جامعه در سطح روینا با همه پیوندها، سازمان‌ها، اندیشه‌ها و خصوصیاتش روی زیرینای محتوای باطنی انسان قرار دارد و هرگونه تغییر و تکاملی نسبت به روینای آن تابع تغییر و تکامل این زیربنایست و با تغییر آن روینای جامعه تغییر می‌کند. بدیهی است هرگاه این بنیاد استوار باشد، روینای جامعه استوار می‌ماند، بر اساس آن‌چه یاد شد، رابطه بین محتوای باطنی انسان و روینای اجتماعی و تاریخی جامعه، یک رابطه تابع و متبع یا علت و

این قانون طبیعی ارتباط بین شرط و جزاست که با وجود شرط مجاورت آب با حرارت و وجود خصوصیات دیگر، پدیده غلیان ظاهر می‌شود.

این گونه قوانین، خدمت بزرگی به انسان در زندگی معمولی اش می‌کنند و نقش مؤثری را در انسان‌سازی دارند؛ زیرا انسان با شناخت این قوانین می‌تواند درباره جزای شرط در خودش اقدام کند و در هر حالی که خود را به وجود جزا نیازمند دید، با فراهم کردن شرط، به دست خود قانون را عملی سازد و هرگاه جزای شرط با مصالح او سازگار نبود و آن را نپرسنید، با پیش‌گیری از تحقق شرط، مانع تحقق جزا گردد.

خداآوند می‌خواهد با توجه دادن به نظامی ثابت، جای پای انسان را در این نظام نشان دهد و او را به وسائلی که در راه ساختن محیط زندگی اش مؤثر است، آشنا سازد تا نیازهای او را به دست خودش برآورد.

چنین قدرتی برای انسان از آن رو حاصل شده که سنت جهان و قانون ثابت آن را شناخته؛ زیرا قانون طبیعت به صورت قضیه شرطیه برای او طرح گردیده است.

درست همین خصوصیات را در نخستین صورت از سنت‌های تاریخ می‌یابیم. بسیاری از سنت‌های تاریخ، به صورت قضیه شرطیه شکل گرفته‌اند. در این قضیه، دو حادثه اجتماعی یا تاریخی به هم مربوط هستند. برای مثال، «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقُومُ عَنْ يُغَيِّرُوا مَا يَأْنَفُسِهِمْ» قانونی تاریخی به شمار می‌رود که به صورت قضیه شرطیه صادر می‌شود؛ زیرا به وجود پیوند بین دو تغییر باز می‌گردد؛ تغییر محتوای باطنی انسان و تغییر وضعیت ظاهری او، به این معنا که هرگاه تغییری در باطن مردم پیدا شود، در بنای ظاهری آنان و کیان مادی و اعتبار جهانی‌شان نیز تغییر قطعی پدید می‌آید.

(ب) قوانین قطعی: این قوانین تاریخی به صورت منجز یعنی بدون حالت منتظره عرضه می‌شود. از قوانین طبیعی و کیهانی می‌توان مثال‌ها و شاهدهایی در این‌باره آورد. در علم هیئت، وقتی حکمی علمی بر طبق قوانین گردش سیاره‌ها صادر می‌شود، دیگر هیچ حالت منتظره‌ای ندارد. برای مثال، خورشید در فلان روز خواهد گرفت یا در فلان شب خسوف می‌شود. انسان در این موارد نمی‌تواند به هیچ‌وجه شرایط و اوضاع و احوال این قضیه را تغییر دهد. این قضایا به زمان آینده نگاه دارند، ولی خبر به وقوع آن قطعی است.

نکته مهم این که صورت دوم از قوانین تاریخی، اندیشه اروپایی را به توهمندی اندخته که با آزادی و اختیار انسان مخالفت می‌نماید. بنابر این پندار غلط، اندیشه سنت‌های تاریخی به هیچ‌وجه با اندیشه آزادی و انتخاب انسان سازگار نیست؛ زیرا اگر سنت‌های تاریخ مسیر انسان را در زندگی اش تنظیم می‌کند، دیگر برای انسان آزادی نمی‌ماند. لذا برخی آزادی و اختیار انسان را فدای سنت‌های تاریخ نموده‌اند و برخی دیگر سنت‌های تاریخ را فدای آزادی و اختیار انسان. آنها پنداشته‌اند که سنت‌های تاریخ تنها همین نوع دوم است، یعنی قوانین قطعی، در حالی که اگر سنت‌های تاریخ فقط به این صورت در صحنه‌های تاریخ تجلی می‌کرد، هیچ جای دیگری برای تلاش و کوشش انسان نمی‌گذارد، ولی برای بطalan این توهمند، باید به صورت اول از صور سنت‌های تاریخ توجه نمود که به‌شكل قضیه

در طبیعت دو نوع حرکت وجود دارد: حرکات جبری و ضروری که متأثر از علت قبل از خود است و انسان نقشی در آن ندارد و حرکاتی که متأثر از اراده انسان و هدفمند است. انسان با توجه به آرمان و اهدافی که دارد، حرکاتی در عالم طبیعت خلق می‌کند تا به آن آرمان‌ها جامه عمل بپوشاند. شهید صدر به این موضوع به‌طور بنیادی پرداخته است

پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از بالای سرشان برکات آسمانی [و از زیر پاهایشان] برکات زمینی برحوردار می‌شدند. از میان آنان گروهی میانه رو هستند، و بسیاری از ایشان بد رفتار می‌کنند.

﴿وَأُنَّ أَهْلَ الْقُرْبَىٰ آمُنُوا وَأَتَقَوْا فَتَخَنَّنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتُ مُنَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوْا فَلَآخْذُنَّاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^{۱۶}

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

﴿وَأَن لَوْ أَسْتَقَامُوا عَلَى الظَّرِيقَةِ لَا سَقِيَنَاهُمْ مَاءً غَدَقاً﴾^{۱۷}

و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارابی بدبیشان نوشانیم.

﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مَنْ أَمْرَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْبُرُ مَا يَقُومُ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ يَقُومُ سُوءًا فَلَا مَرْدَ لَهُ وَمَا لَهُمْ مَنْ ذُوْنَهُ مِنْ وَالِ﴾^{۱۸}

برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشته برای آن نیست، و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.

اما از سنت قطعی تاریخ، پیروزی مستضعفان است که خداوند کریم می‌فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ مَنْ عَلَى الْذِينَ اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^{۱۹}

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند ملت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

شرطیه بیان می‌گردد. در شرط این قضیه شرطی، به اراده انسان و انتخاب او اشاره شده و درست اراده انسان در مرکز قضیه شرطیه و شرط اصلی آن قرار گرفته است.

بنابر آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْبُرُ مَا يَقُومُ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾** خدا سرنوشت قومی را به شرطی تغییر می‌دهد که آنها خودشان را تغییر دهند. در اینجا تغییر به خود آن قوم نسبت داده شده، یعنی آنها باید بخواهند و به وجود آورند. بنابر این، سنت‌های تاریخ به صورت قضایای شرطی، نهتها مخالفتی با آزادی و اراده انسان ندارند، در آزادی و اراده انسان پافشاری هم می‌کنند و نتایج کار انسان را توضیح می‌دهند تا بتوانند راهی را که بدان نتیجه می‌انجامد، پیش پای انسان بگذارند و در پرتو نور و روشنایی آن، به نتیجه کارش راه یابد.

(ج) قوانین گرایشی: این سنت‌ها، به گونه کشش‌ها و گرایش‌های طبیعی در حرکت تاریخ انسان قرار گرفته، نه به صورت قانونی قطعی و تخلیف ناذیر. این قوانین در حرکت تاریخ و در سیر طبیعی انسان مؤثر است. این حرکت‌ها و گرایش‌ها، انعطاف می‌پذیرند و می‌توان با آنها به مبارزه برخاست، ولی مخالفت با آنها فقط برای مدتی کوتاه ممکن است، مانند نیاز طبیعی زن و مرد به یکدیگر. قرآن نیز به برخی از این سنت اشاره کرده است:

﴿قَاتَلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يُدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مَنْ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْعِزْيَةَ عَنْ يَدِ وَهُمْ ضَاغِرُونَ﴾^{۲۰}

با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام گردانیده‌اند حرام نمی‌دارند و متدین به دین حق نمی‌گردند، کارزار کنید، تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَا كُلُّوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمَنْ تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أَمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾^{۲۱}

و اگر آنان به سورات و انجیل و آنچه از جانب

البته وعده الهی، از علم غیب سرچشمه می‌گیرد و تاریخ ناگزیر از آن می‌نماید، ولی تعجیل، تأخیر و تحقق آن، بنابر اختیاری بودن تاریخ و ظهور، بر دوش انسان نهاده شده است.

عقلانیت، مجرای افعال الهی

شکی نیست که خداوند می‌تواند افعال و منویات خود را از طریق تعطیلی قوانین ثابت و قطع اسباب عادی یعنی معجزه، جامه عمل بپوشاند. با وجود این، بنایه حکمت، قوانینی برای دستیابی بشر به آنها، ثابت نگاه داشته شده‌اند. خداوند، فقط در موارد ضروری و آن‌هم از روی حکمت عقلانی، از معجزات استفاده می‌کند. از این‌رو، می‌توان ادعا کرد که «عقلانیت مجرای افعال الهی» است.

شهید صدر؛ از افرادی است که با روش فکری و دقت کافی در افعال الهی، از حکمت عقلانی آنها سراغ می‌گیرد. گویی وی عبور افعال الهی را بستر عقلانیت و اسباب طبیعی را بدیهی می‌داند. وی درباره حکمت فترت یعنی نبودن پیامبران در بعضی از مقاطع تاریخ و تأخیر ظهور دین اسلام می‌گوید:

تغییرات اجتماعی که سرچشمه الهی دارد، از جنبه اجرایی به شرایط بیرونی متکی است و موفقیت و زمان انجام آن بستگی به آن دارد و درست به همین جهت بوده است که آسمان در انتظار ماند تا پنج قرن از جاهلیت بگذرد و آن‌وقت آخرین پیام خود را به‌واسطه حضرت محمد ﷺ فرستاد و با آن‌که جهان در دوران فترت نیاز شدید به پیامبر داشت، ولی به‌خاطر وابستگی اجرایی به شرایط خارجی در آن تأخیر شد.^{۴۲}

وی درباره حکمت طول عمر امام زمان ع می‌گوید:

بکی از عوامل پیروزی و موفقیت رهبر متظر، همین عمر طولانی است. ایجاد یک دگرگونی بنیادین می‌طلبد که رهبری آن در دست انسانی فوق العاده از نظر روحی باشد تا با شناختی کامل از توانایی‌ها و برتری‌های مکتب خود و آگاهی ژرف از ضعف نظامهایی که بایستی منهدم کند، تعلمنی نو بر ویرانه آن بسازد.^{۴۳}

مهدی باید از عمری دراز برخوردار بوده و با جوامع و نسل‌های مختلفی در طول تاریخ همراه باشد و از بالای قله انسانیت به تماسای فراز و نشیب تاریخ و حرکت رو به تکامل بشر بنشیند تا آن‌که سرانجام جامعه بزرگ انسانی به کوله‌باری از تجارب اجتماعی و تحت تدبیر سنت‌های الهی، خود فرمان هدایت تاریخ را به او سپرد تا آخرین و بزرگ‌ترین مرحله خلافت الهی بر زمین را محقق سازد.^{۴۴}

علامه شهید، استفاده کردن از معجزه را برای حفظ زندگی راهبران دینی، چنین بیان می‌دارد:

شاید بتوان از آن‌چه تابه حال اتفاق افتاده، یک نتیجه کلی به دست آورد و آن این که

دولت عدل جهانی
برآمده از اعتقاد به
خداوند و از متن وحی
الهی، هدفی متوسط
و پله‌ای برای لقاء‌الله
به‌شمار می‌رود. این
ارمان، محركی قوی
برای حرکت تاریخ
می‌تواند باشد. ما
برای زمینه‌سازی
ظهور باید این ارمان
را هرچه بیشتر بارور
کنیم تا با این کار، در
شیعیان انگیزه‌های
قوی ایجاد شود و در
نهایت، شیعیان تاریخ
به‌سوی حکومت عدل
جهانی بروند

هر وقت حفظ جان حقیقی الهی در روی زمین نیاز به تعطیل قانون طبیعی داشته باشد و هرگاه ادامه زندگی آن شخصیت برای انجام یک طرح مهم ضروری باشد، در این هنگام لطف الهی باعث می‌شود که آن قانون طبیعی موقتاً از کار بیفتد، ولی وقتی شخصیت وظیفه الهی خود را به انجام رساند، مطابق قوانین طبیعی می‌میرد و یا به شهادت می‌رسد.^۶

آیة‌الله صدر: واقع شدن غیبت صغراً قبل از غیبت کبراً را کاملاً مطابق عقلانیت می‌داند و این امر منطقی را چنین توضیح می‌دهد:

۱. مکتب و ایدئولوژی انسانی که به خواسته‌های فطری پاسخ داده و مبتنی بر عقل‌گرایی و دانش و بیشن باشد؛
۲. امکانات و مقتضیات مناسب؛
۳. اراده و اختیار انسان‌ها به‌گونه‌ای که بتوانند با انتخاب و تصمیم خود به حرکت درآیند؛
۴. جربان حرکت و نیروی عظیم توده‌ها به‌سوی ایجاد تغییر و تحول.^۷

بنابر این، از دیدگاه شهید صدر، هیچ‌یک از انقلاب‌های بزرگ جهان که در مطالعات جامعه‌شناسان انقلاب، بسیار اهمیت دارد، مانند انقلاب انگلستان، امریکا، فرانسه، روسیه و چین، انقلابی حقیقی بهشمار نمی‌روند، بلکه تنها انقلاب‌های مبتنی بر ادیان اسلامی است که با ایجاد تغییرات ریشه‌ای در جامعه، به تأسیس وضعیتی غیراتجاعی و آرمانی می‌پردازند.^۸

شهید صدر: بر این باور است که اصلاحات رهبران دینی هم‌چون دیگر اصلاحات اجتماعی، از مجرای طبیعی عبور می‌کند و این را سنت مسلم تاریخی می‌دانند. ایشان می‌گوید: تغییرات اجتماعی که سرچشمه‌ای الهی دارد، از جنبه اجرایی به شرایط بیرونی متکی است و موفقیت و زمان انجام آن بستگی به آن دارد... سنت تغییرناپذیر الهی بر این است که اجرا و ایجاد تغییرات اصلاحی بستگی به عوامل خارجی، فضای مناسب و جو عمومی داشته باشد.^۹

وی جنگ بدر را که به پیروزی انعامیه با جنگ احد که با

باید توجه داشت که اگر آن غیبت (غیبت کبرا) به یکباره رخ می‌داد، ضریبه سنگینی به پایگاه‌های مردمی و طرفداران امامت وارد می‌شد؛ زیرا قبل از آن با امام خود ارتباط داشتند، در مشکلات به او رجوع می‌کردند و اگر ناگهان امام غایب می‌شد و امت احساس می‌کرد که دیگر دسترسی به رهبر فکری و معنوی خود ندارد، ممکن بود همه‌چیز از دست برود و آن جمع به تفرقه دچار شود. بنابر این، لازم بود که برای این غیبت زمینه‌سازی شود تا مردم به تدریج با آن خوبگیرند و خود را بر اساس آن بسازند.^{۱۰}

فلهور انقلابی برتر

ظهور، ماهیتی انقلابی دارد، اما برتر از دیگر انقلاب‌ها. در تعریف انقلاب گفته‌اند:

انقلاب تغییری ناگهانی در نظام اجتماعی و نهادهای سیاسی یک کشور است که موجب زیورو شدن قدرت و واژگونی تمام عیار حکومت و جای‌گزینی دولت جدید می‌شود.^{۱۱}

اما انقلاب در نظر شهید صدر، از محتوایی ایدئولوژیک برخوردار است؛ حرکتی جهت رهایی امت از وضع تباہ و پریشان فعلی به‌سوی وضع مطلوب که خداوند بدان دعوت نموده است؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجاری راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند؟ به خدا و

شکست همراه بود، مقایسه می‌کند و می‌گوید:

مسلمان‌ها که در تبرد پدر پیروز شده بودند، خود شرایط پیروزی را فراهم ساخته بودند. این شرایط، طبق سنن تاریخ ایجاد می‌کرد که آنها پیروز شوند و پیروز هم شدن. همین شرایط در جنگ احمد، ایجاد می‌کرد شکست بخورند و شکست هم خورند.^{۵۲}

و ادامه می‌دهد:

گمان نکنید یاری و پیروزی، یک حق مسلم الهی است که خدا آن را مخصوص شما قرار داده است؛ پیروزی یک حق طبیعی است و باید برای بوجود آوردنش شرایط را مساعد کرد. خداوند در جهان تکوین برای پیروزی، قواعد و سنتی قرار داده که شرایط پیروزی باید انطباق با همان ضوابط و سنن طبیعی باشد.^{۵۳}

از این‌رو، ظهور باید ماهیت انقلاب را داشته باشد که شهید صدر؛ به آن اصرار

می‌ورزد:

انقلاب او (حضرت مهدی^ع) از نظر اجرا همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و باستثنی فضای مناسب موجود باشد.^{۵۴}

روايات فراوان بر این مطلب که ظهور، از سنخ معجزه نیست، بلکه جهاد و انقلاب است، تصریح و تأیید نموده‌اند. امام صادق^ع می‌فرمایند: نهضت صاحب‌الامر تمام نمی‌شود مگر این که در میدان جنگ عرق بربیزم و خون‌ها ریخته شود.^{۵۵}

تمام روایاتی که بر پولادین بودن یاران حضرت و اصحاب زمینه‌ساز اشاره دارند و نیز روایاتی که انتظار را بهترین اعمال و سخت‌ترین آنها می‌دانند و...، تأییدی بر انقلابی بودن ظهورند، نه معجزه بودن آن.

شیعیان معتقدند که ائمه اطهار^ع دارای اسم اعظم و صاحب چنان قدرتی هستند که با گوشه چشمی می‌توانند عالم را دگرگون کنند:

بكم يمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه؛^{۵۶}

به واسطه شما آسمان را به پا داشت تا جز به امرش بر زمین فرود نیاید.

اما قرار نیست که این نیرو در تحقق انقلاب جهانی استفاده شود، بلکه چنین انقلابی چشم امید به همت و اراده شیعیان دارد.

به طور کلی حکومت مهدی^ع از چهار ویژگی بروخوردار است:

۱. نفوذ سیاسی بر سراسر جهان؛

۲. گسترش اعتقاد به اسلام در سرتاسر جهان و تطهیر زمین از مظاهر شرک، کفر، ضلال و نفاق؛

۳. گسترش عدالت و امنیت و رفاه؛

شهید صدر: نه تنها حرکت تاریخ را وابسته به حرکت انسان می‌داند، بلکه حرکت تاریخ را روبنای حرکت انسان تلقی می‌کند.

۴. انتشار علم و فرهنگ در میان همه انسان‌ها.^{۵۷}

این تصویر کلی از حکومت موعود را باید در فرارویمان بنهیم و برای تحقق آن زمینه‌سازی کنیم.

توفيق زمينه‌سازی اين انقلاب برای اقوام و تمدن‌های فراهم است که بکوشند. پنداش خامی است که قومی خاص را دوست خدا بدانیم و چنان پنداریم که خداوند انگشت بر آنها نهاده و چنین توفيق عظیمی را به آنها واگذار کرده است. قوانین و سنن تاریخی بر این پندار خط بطلان کشیده‌اند. ما اگر زمینه‌ساز ظهور نباشیم، محو و نابود خواهیم شد و ظهور به سعی و تلاش قومی دیگر انجام خواهد پذیرفت. شهید صدر: این خطر بزرگ را گوش‌زد می‌کند و می‌گوید:

هرگاه این انسان وظیفه تاریخی خود را انجام ندهد و بر اساس مسئولیت رسالت آسمانی خود عمل نکند، مقصود این نیست که رسالت آسمانی، تعطیل پذیر باشد و مقصود این نیست که قواعد تاریخ در مورد آنها به اجرا گذارد نشود، بلکه اینان که به وظیفه خود عمل نکنند وضع شان عوض خواهد شد. ضوابط و سنن تاریخ آنها را از کار برکنار کرده و امتهای دیگری که شرایط پیروی را دارا باشند، به جای آنها خواهد آورد تا بتوانند نقش بهتری ایفا کنند.^{۵۸}

چنان که قرآن کریم نیز فرموده است:

[برای نبرد] اگر بسیج نشوید، [خداد] شما را به عذابی در دنای عذاب می‌کند، و گروهی دیگر به جای شما می‌آورد، و به او زیانی نخواهد رسانید، و خدا بر هر چیزی تواناست.^{۵۹}

«دکترین» در ابعاد پنج گانه امنیتی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ارائه می‌شود و هریک از این ابعاد باید در سطح شش گانه تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی، استراتژیکی و فوق استراتژیکی مورد توجه قرار گیرد. از حاصل ضرب ابعاد با سطوح، ۲۵ مرحله به دست می‌آید که باید هر مرحله از حیث علوم مختلف مانند جغرافیا، جامعه‌شناسی، جمیعت، روان‌شناسی، صنعت و... توسط دانشمندان آن علم کالبد شکافی شود.

برای مثال، امنیت و قدرت شیعیان با تعجیل ظهور، بنابر

نظریه اختیاری بودن، رابطه مستقیم دارد؛ هرچه شیعیان از امنیت و قدرت بیشتری برخوردار باشند، ظهور نزدیک‌تر می‌شود. امنیت، یعنی تناسب بین آسیب و تهدید. استراتژیست‌ها با شناخت تهدیدها و آسیب‌ها می‌توانند طرح موازنۀ آنها را که همان امنیت است، ارائه دهند. برای طرح امنیت دکترین ظهور در سطح استراتژیک باید جغرافیای جهان شیعه مطالعه شود تا آسیب‌ها و تهدیدهایی که از حیث سرزمین متوجه شیعیان است، شناخته شود؛ باید جمعیت و آسیب‌ها و تهدیدهایی که از حیث جمعیت، شیعیان دارند، کاویده شود؛ باید فنون و صنایع فرق شیعیان حتی تقدیه و آب آنان... ملاحظه گردد تا آسیب‌ها و تهدیدهای آنها روشن شود. بعد از شناخت تهدیدها و آسیب‌ها باید طرح موازنۀ هر کدام ارائه گردد که از تلفیق تمام این طرح‌ها فقط امنیت استراتژیک دکترین ظهور مشخص می‌گردد و این امنیت وقتی کامل می‌شود که در سطح دیگر یعنی تکنیک و تاکتیک و عملیاتی و فوق استراتژیک هم بررسی شود. بعد از طرح امنیت در این سطوح بُعد امنیتی دکترین ظهور، کامل است و باید به ابعاد دیگر دکترین یعنی ابعاد نظامی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداخت.

مثال برای طرح بُعد فرهنگی دکترین ظهور می‌توان به گفتمان‌ها و گفت‌وگوهای درباره ظهور در سطح تکنیکی و به خطابه و مجالس وعظ درباره ظهور در سطح تاکتیک اشاره کرد و مجلات علمی و فرهنگی ظهور را در سطح عملیاتی و همین طور سایتها اینترنتی ظهور را در سطح استراتژیکی و شبکه‌های ماهواره‌ای ظهور را در سطح فوق استراتژیکی نام برد.

این برنامه گسترده علاوه بر جنبش نرم‌افزاری، اتحاد و هم‌آهنگی جهان شیعه را می‌طلبید. برای گام برداشتن در مسیر «دکترین ظهور» که بر اساس نظریه اختیاری بودن ظهور است، باید ابتدا «سجاد جهانی زمینه‌سازی ظهور» شکل گیرد و این سجاد با دعوت از دانشمندان سرتاسر جهان شیعه، این تفکر را نهادینه کند و راه‌های عملیاتی آن را فراهم سازد؛ چراکه طرح «دکترین» عملی است، نه نظری که درست یا غلط باشد. طرح عملی هرچه دقیق‌تر طراحی شود، زودتر به نتیجه می‌رسد. بنابر این، برای این طرح هرچه بیشتر مشورت کنند و از نخبگان

بیشتری بهره برند، ضریب اشتباه پایین‌تر می‌آید و ما می‌توانیم به ره‌آوردهای ظهور، زودتر دست یابیم.

نظریه «اختیاری بودن ظهور»، الفاظ مردهای است که باید روح «دکترین ظهور» در آن دمیده شود و این راه سخت و دشوار است، ولی «بهترین اعمال، سخت‌ترین آنهاست»^{۱۶} و از این‌رو انتظار فرج، بهترین اعمال است.^{۱۷} پس ظهور رفتی است، نه آمدنی. ما باید تاریخ را به‌سوی ظهور پیش ببریم.



مرکز تحقیقات کاپیویر علوم اسلامی

پی‌نوشت‌ها:

۱. نک: مرتضی مطهری، قیام و انقلاب امام مهدی (ع) از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۴۵۶ چاپ ۲۶؛ انتشارات صدرا.
 ۲. نگارنده، شبیه زمان ظهور به رسیدن سبب راز سخن رانی استاد مطهری گرفته است.
 ۳. نک: علی‌رضا نودهی، «تئیاری بودن ظهور»، مجله موعود، شماره‌های ۴۹، ۵۰ و ۵۱، ۵۰.
 ۴. ابوداد سلیمان بن الاشعث، صحیح سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۷.
 ۵. مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، ص ۲۲۱، چاپ هشتم؛ انتشارات صدرا.
 ۶. گ. و. هگل، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنايت، ص ۱، سخن از مترجم.
 ۷. سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه دکتر سید جلال الدین موسوی، ص ۷۸، چاپ سوم؛ انتشارات تقاضا.
 ۸. همان.
 ۹. همان، ص ۵۷.
 ۱۰. همان، ص ۷۹.
 ۱۱. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۳۲، چاپ پنجم؛ انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۲. علی معموري، نظریه سیاسی شهید صدر، ص ۱۸۶، چاپ اول؛ انتشارات اشراق.
 ۱۳. همان.
 ۱۴. همان، ص ۱۹۳.
 ۱۵. سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۱۴۶.
 ۱۶. همان، ص ۱۵۱.
 ۱۷. همان، ص ۱۵۲.
 ۱۸. سوره مائدہ، آیه ۱۰۴.
 ۱۹. سوره قصص، آیه ۳۸.
 ۲۰. مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریه‌های انقلاب، ص ۱۵۲، چاپ سوم؛ نشر قومس.
 ۲۱. همان.
 ۲۲. سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۱۸۳.
 ۲۳. سوره انشقاق، آیه ۶۰.
 ۲۴. همان، ص ۱۴۷.
 ۲۵. ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، ص ۲۰۴، انتشارات مکتبة القاهرة، قاهره.
 ۲۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۷۶؛ بخار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۶۸.
 ۲۷. نعمانی، الغیی، ص ۱۰۳، چاپ مکتبة الصدق.
 ۲۸. بخار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۱۶.
 ۲۹. رهبری بر قرار قرون، (ترجمه بحث حول المهدی (ع)، ترجمه
- مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم
- ۱۳۰، ص ۵۲)، همان، ج ۱۳۰، ص ۱۱۶.